

## اصول و ارکان الگوی مدیریت سیاسی امام خمینی علیه السلام

\* اصغر افتخاری

\*\* ابوالحسن حسینزاده

### چکیده

مهم‌ترین اصول و ارکان الگوی مدیریتی حضرت امام علیه السلام ذیل الگوی جامع اسلامی به‌عنوان یک مکتب جدید مدیریت سیاسی شامل: برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، هدایت و کنترل و نظارت، تبیین می‌شود. هرچند عناصر اصلی این الگو با دیگر الگوهای مدیریتی، مشابه است ولی هریک از عناصر آن با عناصر الگوهای دیگر تفاوت ماهوی دارد و دارای نوآوری‌های بدیعی از جمله: جامع‌نگری و هدف‌گذاری در برنامه‌ریزی، به‌کارگیری الگوی الهی - عقلانی در تصمیم‌گیری، ولایی‌بودن نظام سازماندهی، رهبری فراکارزمایی و ... است که از مهم‌ترین شاخصه‌های الگوی مدیریت سیاسی حضرت امام علیه السلام به‌شمار می‌روند.

### واژگان کلیدی

الگوی مدیریت سیاسی، امام خمینی علیه السلام، الگوی جامع اسلامی، اصول و ارکان مدیریت.

eftekhari\_asg@yahoo.com

hoseinzadeh3000@yahoo.com

تاریخ تولید: ۹۰/۴/۱۵

\*. دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام.

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۷

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تجربه‌ی جدیدی از حکومتداری و مدیریت سیاسی با محوریت دین و نقش فراگیر مردم، ارائه شد در این میان، امام‌خمينی ره به‌عنوان بنيانگذار انقلاب اسلامی که مدیریت کلان سیاسی کشور را نیز عهده‌دار بودند، نقش برجسته‌ای داشتند. تبیین و ارائه‌ی الگوی نظری کاربردی از مدیریت سیاسی حضرت امام ره که طراح و مجری رهافت و الگویی جدید در مدیریت سیاسی بوده‌اند، مهم‌ترین هدف این پژوهش است. بنابراین، این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که اصول و ارکان الگوی مدیریت سیاسی امام‌خمينی ره کدامند؟ نویسندگان برای پاسخ به این سؤال اساسی، با بهره‌گیری از منابع دست اول و دوم در حوزه مدیریت و آثار حضرت امام ره و با روش تحلیل محتوا، بعبوری مهم‌ترین اصول و ارکان الگوی مدیریتی حضرت امام ره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان الگوی جمیع اسلامی می‌پردازند.

## مهم‌ترین رهافت‌های مدیریت سیاسی

از آنجا که درک ظرایف و ویژگی‌های الگوی مدیریت سیاسی امام ره متضمن آشنایی با اصول و ارکان الگوهای رایج در این حوزه می‌باشد، در این قسمت به اختصار به مهم‌ترین رهافت‌های موجود، اشاره می‌شود: ۱. رهافت سنتی (کلاسیک) شامل مکتب مدیریت علمی، مکتب اداری و مکتب بوروکراسی ۲. رهافت منبع انسانی (نئوکلاسیک)، رهافت کمی و علمی، رهافت سیستمی، رهافت اقتصادی و رهافت جمیع و پویا. (برای مطالعه نقد و بررسی این مکاتب ر. ک. علاقه‌مند، ۳۸۳؛ شریعتمداری، ۳۸۵؛ احمدی، ۳۸۵؛ موسی‌خانی، ۳۸۴؛ منشی‌زاده، ۳۸۲؛ استونر و همکاران، ۳۷۹)

## اصول و ارکان مدیریت سیاسی

سر و سامان دادن فعالیت‌های متنوع و متکثر مدیریت سیاسی برای اهداف مورد نظر سیاست، مستلزم تعیین و تبیین صحیح اصول مهم آن است. در این خصوص، اندیشمندان، نظرات مختلفی را ارائه کرده‌اند (ر. ک. رضائیان، ۳۷۴؛ صادق‌پور، ۳۸۵؛ شرم‌رهورن، ۳۸۱؛

موسوی خانی و منشی زاده، ۱۳۸۲؛ الوانی، ۱۳۸۰؛ شریعتماری، ۱۳۸۵ و کاظمی، ۱۳۷۹) نویسندگان در یک جمع‌بندی، ارکان مدیریت سیاسی را در پنج اصل بررسی می‌کنند: برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، هدایت و رهبری، کنترل و نظارت.

۱. برنامه‌ریزی: <sup>۱</sup> برنامه‌ریزی، به‌کار مدیران سیاسی جهت می‌دهد و توجه آنان را به‌اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظام سیاسی و... معطوف می‌سازد و ضمن ایجاد هماهنگی و تعامل جمعی بین اجزا و افراد، موجب کاهش فعالیت‌های تکراری و غیر ضروری و موانع کجروی می‌شود. (علاقه‌بند، ۱۳۸۳: ۵۹)

۲. تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری، جوهر اصلی مدیریت سیاسی و مترادف با آن است. در تعبیری کلی، تصمیم‌گیری عبارتست از: انتخاب یک‌راه از میان راه‌های مختلف به‌منظور حل مشکل. از این‌رو، الگوهای متعددی در خصوص تصمیم‌گیری سیاسی وجود دارد که مهم‌ترین آنان عبارتند از: الگوی عقلانی، <sup>۲</sup> الگوی عقلانی محدود، <sup>۳</sup> الگوی رضایت‌بخش، الگوی درخت تصمیم‌گیری و جدول پیله‌ها. (برای مطالعه بیشتر ر. کد احمدی، ۱۳۸۵)

۳. سازماندهی: <sup>۴</sup> سازماندهی فرایندی است که تقسیم کار ویژه‌های سیاسی میان افراد و گروه‌ها، نهادها و واحدهای سیاسی و هماهنگی میان آنان، به‌منظور کسب اهداف صورت می‌گیرد. ۴. هدایت: هدایت یعنی تلاش مدیر سیاسی برای ایجاد انگیزه و رغبت در زیردستان برای رسیدن به‌اهداف سیاسی که با ارزش‌های فرد و ارزش‌های حاکم بر جامعه مرتبط است. این وظیفه شامل سه بخش رهبری، انگیزش و ارتباطات است. (رضائیان، ۱۳۷۴: ۲۰۰)

یک. رهبری: مهم‌ترین اصل در رهبری جهت‌دادن و نفوذ بر افراد است. نفوذ و مؤثر بودن رهبری، مستلزم پذیرش قدرت و نفوذ رهبر از ناحیه مرئوسان است و این قدرت و نفوذ به‌منبع آن مرتبط می‌شود. قدرت به‌معنای توانایی اعمال نفوذ بر دیگران است؛ از این‌رو،

---

۱. Planning.

۲. Rational Model.

۳. Bounded Rationality Model.

۴. Organizing.

رهبری مؤثر نیازمند نفوذ و قدرت لازم است. (الوانی، ۳۷۶: ۱۳۸) فرنچ و ریون<sup>۱</sup> در کتاب «مبانی قدرت اجتماعی»، به طبقه‌بندی قدرت‌های پنج‌گانه اشاره می‌کنند. (همان: ۱۶۷ - ۱۵۰): قدرت مرجع بودن<sup>۲</sup> (شخصیتی)، قدرت قانونی<sup>۳</sup>، قدرت پاداش‌دهی<sup>۴</sup> و قدرت اجباری<sup>۵</sup>. (احمدی، ۳۸۵: ۱۴۰)

دو انگیزش<sup>۶</sup> انگیزش، از پیچیده‌ترین وظایف مدیریت سیاسی است؛ زیرا مردم و کارگزاران سیاست را به رفتاری ترغیب می‌کند که نتیجه رضایت‌بخش و مطلوبی دارد. البته دقیق‌ها و شرایط افراد متفاوت است و این تفاوت، آغاز پیچیدگی است و مدیر سیاسی باید با دقت و ظرافت از عوامل مختلف انگیزش بهره گیرد.

سه. ارتباطات: برقراری ارتباط صحیح، هدفمند، هوشمندانه و فراگیر بین اجزای گوناگون جامعه اعم از بنده دولت و جامعه، از ارکان مدیریت سیاسی محسوب می‌شود. ارتباط مؤثر به پیشبرد آرمان‌ها و اهداف نظام سیاسی و پویایی آن از طریق هدایت واحدهای سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود. (رضائیان، ۳۷۴: ۲۲۳)

ه. کنترل (نظارت): کنترل به‌عنوان آخرین وظیفه مدیر، با دیگر وظایف ارتباط دارد و با اقدامات اصلاحی، مجموعه امور تنظیم می‌شود. کنترل، فعالیتی است که باید با هدایت واحدهای، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها، مقایسه می‌کند و منعکس‌کننده تصویری واضح از تشابه یا اختلاف بین این دو گروه از عوامل، به یک مدیر سیاسی است. (الوانی، ۳۷۶: ۱۲۰) کنترل، فرایند ردیابی فعالیت‌هاست از این جهت که اطمینان حاصل شود امور، مطابق برنامه مورد نظر پیش رفته و چنانچه انحراف قابل توجهی به وجود آید،

- 
۱. French & Raven.
  ۲. Referent Power.
  ۳. Legitimate Power.
  ۴. Reward Power.
  ۵. Coercive Power.
  ۶. Motivation.
  ۷. Communication.

اصلاح شود. (صادق پور، ۱۳۸۵: ۳۷)

### تحلیل الگوی جامع اسلامی

نویسندگان معتقدند که الگوی مدیریتی حضرت امام علیه السلام الگوی جدیدی است که به الگوی جامع اسلامی تعبیر می‌شود؛ الگویی که به لحاظ ساختاری، منسجم و دربردارنده عنصراً استاندارد الگوی جامع مدیریتی در عرصه سیاست می‌باشد و به لحاظ محتوایی با الهام از تعلیم و آموزه‌های بومی اسلامی و ایرانی، پاسخ‌گوی نیازهای سیاسی جامعه اسلامی ایران در اداره کشور است.

جمع‌نگری و هدف‌گذاری در برنامه‌ریزی، به‌کارگیری الگوی الهی - عقلائی در تصمیم‌گیری، ولایی بودن نظام سازماندهی، رهبری فراکارزمایی، تکیه بر منابع قدرت نرم در رهبری و هدایت، حضور عوامل معنوی در نظام ارتباطات مدیریت سیاسی، توجه به خودکنترلی و نظارت همگانی، مهم‌ترین شاخصه‌های الگوی مدیریت سیاسی حضرت امام علیه السلام یا همان رهیافت جامع اسلامی است.

### اصول و ارکان الگوی جامع اسلامی

با تشکیل حکومت اسلامی، اولین تجربه مدیریت سیاسی بر مبنای اسلام، پس از قرن‌ها از زمان حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام شکل گرفت. مهم‌ترین عنصر و ارکان الگوی رفتار مدیریتی امام علیه السلام عبارتند از:

#### ۱. برنامه‌ریزی

امام علیه السلام برنامه‌ریزی را به‌عنوان یک اصل مهم در اداره کشور تلقی می‌کند و بر ضرورت آن تأکید می‌کردند:

مسئله برنامه، از مهمات یک کشور است و چنانچه بدون برنامه، یک کشوری نخواهد اداره بشود، نمی‌شود. باید برنامه باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۱۲۱)

مهم‌ترین اصولی که در برنامه‌ریزی مورد توجه و عنایت امام علیه السلام قرار داشت عبارتند از:

یک. تعیین هدف: امام علیه السلام مهم‌ترین هدف اداره جامعه را تشکیل جمهوری اسلامی و

تحقق استقلال و آزادی به معنای واقعی کلمه می‌دانستند (همان: ۱۲ / ۱۵۶) تحقق ارزش‌های اسلامی، حاکمیت اسلام، تأمین اهداف و منافع ملی، تأمین نیازهای مملکت، حل مشکلات جوامع اسلامی، تأمین منافع ملت محروم و مستضعف، و... از جمله اهداف مورد توجه و تأکید امام‌فدایی در برنامه‌ریزی بود. (همان: ۱۲ / ۳۶۲؛ ۱۳ / ۳۰۶؛ ۲۱ / ۹۱) ایشان تأکید داشتند که ملت و دولت باید به دنبال این باشد که اسلام چه فرموده و برنامه‌ریزی بر این اساس صورت گیرد. (همان: ۱۷ / ۱۲۴)

دو مدیریت زمان: امام‌فدایی در زندگی شخصی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی دارای برنامه مشخص و معین بودند و نظم در کارهای امام‌فدایی همواره اطرافیان را به تحسین و اعجاب می‌داشت. ایشان از همه عمرشان نهایت بهره‌وری را می‌کردند؛ برای مثال هنگام قدم زدن، به کارهای دیگر از جمله «ملاقات با دیگران، پاسخ به سوالات، شنیدن اخبار از رادیو، خواندن دعا و زیارت مخصوصاً صلعلن و صدسلام زیارت عاشورا» می‌پرداختند (گلی‌زواره، ۱۳۸۶) سه. پیش‌بینی و پیش‌نگری: امام‌فدایی بر ضرورت شناخت لازم در برنامه‌ریزی تأکید داشتند (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۷ / ۱۴) ایشان به پیش‌بینی و بسیج همه امکانات لازم برای برنامه‌ریزی صحیح و حساب‌شده، توجه ویژه داشتند (همان: ۱۶ / ۳۱۰) در ک فوق حسی و شناخت شهودی امام‌فدایی از مسایل روز، به درک عمیق و پیش‌بینی‌های صحیح رویدادها و مسایل جهانی، از جمله شکست شوروی سابق در افغانستان، (همان: ۱۲ / ۹۶) فروپاشی کمونیسم و حمله عراق به کویت (همان: ۱۷ / ۷۳) منجر شد. اتمام حجت با بنی‌صدر و هشدار به‌وی هنگام تنفیذ حکم ریاست جمهوری، شناخت صحیح اعضای نهضت آزادی، شناخت نیات و اهداف افراد در اولین برخورد قبل از اتمام سخنان آنان، (رضایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۹) بیانگر تیزهوشی و درک بالای امام‌فدایی از مسایل بود.

چهار. اصل وحدت رویه و عمل و پذیرش سلايق گوناگون: امام‌فدایی وجود سلايق گوناگون در برنامه‌ریزی مورد را برای بهبود و رشد و جمعیت نگه برنامه‌ریزان تا جایی که موجب تشمت و تفرقه نشود، لازم و مقبول می‌دانستند (همان: ۱۹ / ۷۵) ولی بر ضرورت وجود برنامه و رویه واحد تأکید داشتند ایشان در منشور برادری تأکید می‌کنند برای برنامه‌ریزی صحیح عرضه آزادانه

نظرات مخلف باید فراهم شود، ولی وحدت رویه و عمل ضروری است. (همان: ۲۱ / ۱۷۸)

پنج. اصل مشورت باوری: امام علیه السلام برای برنامه‌ریزی جمیع، کمال، صحیح و همه‌جانبه، استفاده از کارشناسان فن، اعم از مسئولان اجرایی و صاحب‌نظران فکری متعهد و مؤمن به انقلاب را ضروری می‌دانستند. (همان: ۱۲ / ۴۳۲؛ ۲۱ / ۱۳۷) ایشان حضور کارشناسان دینی در حوزه برنامه‌ریزی را برای عدم تدوین برنامه‌های ضداسلامی و ضد ارزشی و تسریع در امر برنامه‌ریزی و اجرا لازم می‌دانستند. (همان: ۱۷ / ۱۲۳)

شش. اصل مصلحت‌گرایی: مصلحت‌گرایی از جمله اصول مهمی است که امام علیه السلام به آن توجه ویژه کردند ایشان می‌فرمود:

مصلحت نظام و مردم از امور مهمی است که مقاومت در مقابل آن ممکن است، اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد. (همان: ۲۱ / ۱۷۶)

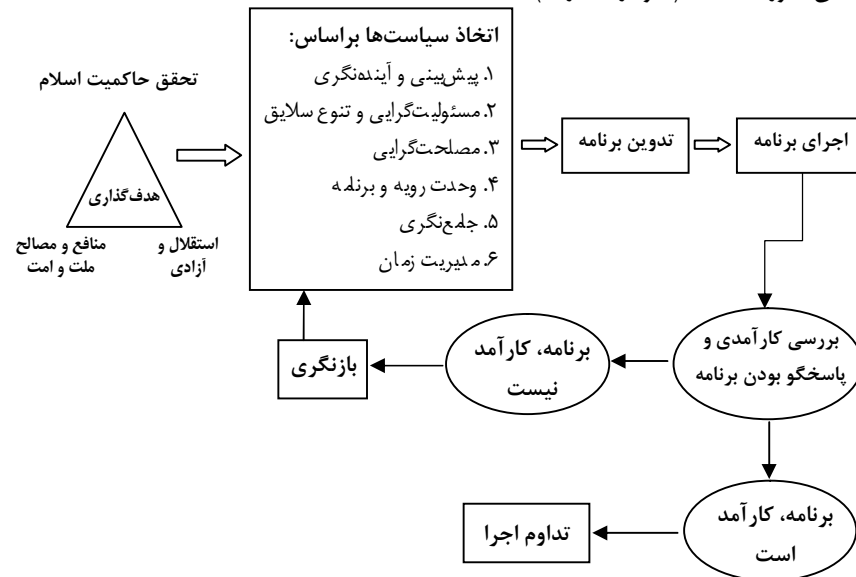
مجمع تشخیص مصلحت نظام، هنگامی تشکیل شد که اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به اوج خود رسید و امام علیه السلام برای رفع این مشکل، این مجمع را تشکیل دادند (افتخاری، ۳۸۲: ۳۰ - ۷)

هفت. اصل جامع‌نگری: امام علیه السلام برنامه‌ریزی در همه جنبه‌های نظمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را ضروری می‌دانستند و راهبرد اصلی را در برهه‌های مختلف انقلاب ابلاغ کردند؛ مثل ابلاغ سیاست‌های دفاعی کشور در ابتدای جنگ و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در دوران بازسازی بعد از جنگ. (امام خمینی، ۳۷۸: ۲۱ / ۱۶۰ - ۱۵۰) ایشان، تغییرات بنیادین در برنامه‌های فرهنگی (همان: ۱۲ / ۱۵۶) مبارزه با فرهنگ مصرفی، تشویق و تولید داخلی، توسعه صادرات، گسترش مبادی صدور کالا، خروج از اقتصاد تک‌محصولی، تجارت براساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت را از جمله سیاست‌های مطلوب در عرصه برنامه‌ریزی اقتصاد دانسته و تأکید کردند که رفاه مردم در سایه برنامه‌ریزی صحیح تأمین شود. (همان: ۲۱ / ۱۵۸ و ۱۵۹)

هشت. بازنگری در برنامه‌ها: امام علیه السلام با عنایت به تناسب برنامه به‌نیازها و کارآمدی آنها،

بازنگری در برنامه‌های گذشته را لازم می‌دانستند و مهم‌ترین آن، حکم ایشان به رئیس‌جمهور وقت در مورخ ۳۶۸/۲/۴ درباره بازنگری در قانون اساسی بود. ایشان در این حکم تأکید کردند نظر به گذشت ده سال از اداره عملی کشور، با توجه به عضلات و نقایص موجود، بازنگری در قانون اساسی را ضروری و اجتناب‌ناپذیر و تأخیر در آن را موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب می‌دانند (همان: ۳۶۳/۲۱) ایشان با انتخاب هیئت بازنگری و تعیین مهلت دو ماهه برای آنان، این اصل مهم برای انقلاب را عملی کردند. (همان) با توجه به اصول برنامه‌ریزی، نمودار فرایند برنامه‌ریزی در سیره حضرت امام علیه السلام،

به این صورت است. (نمودار شماره ۱)



نمودار شماره ۱. (فرایند برنامه‌ریزی در سیره مدیریتی امام علیه السلام)

## ۲. تصمیم‌گیری

امام علیه السلام همواره از تصمیم‌گیری به‌عنوان حق یاد می‌کردند (همان: ۵ / ۱۵۷) و حضور خود و دیگران را در مقدرات و تصمیم‌گیری‌های سیاسی جامعه، تکلیف دینی و سیاسی تلقی و عدم اهتمام به‌طور کشور اسلامی و مسلمین را به‌منزله گناه و نافرمانی، تعریف می‌کردند. استفاده از الفاظ تصمیم‌گیری بارها در پیام‌ها و نامه‌ها، سخنرانی‌ها و مکتوبات امام علیه السلام قابل مشاهده



است. (برزگر، ۳۷۳: ۵۸ و ۵۹) مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌های اساسی مؤثر و مورد توجه در تصمیم‌گیری امام علیه السلام عبارتند از:

یک. اسلام‌محوری و تکلیف‌گرایی: امام علیه السلام به تصمیم‌گیری در امور سیاسی بر محور اسلام تأکید می‌کردند. ایشان می‌فرمود: «بینیم خدا چی فرموده است؛ چه گفته است». (صحیفه امام، ۳۷۸: ۱۹ / ۳۰) ایشان هر چیزی را به‌جز اسلام قابل معامله می‌دانستند: «هیچ‌کس حق ندارد که از اسلام بگذرد». (همان: ۷ / ۷۸) تکلیف‌گرایی نیز که از اسلام‌گرایی الهام گرفته است، در تمام گفتار، رفتار و نوشتار امام علیه السلام مشهود است: (همان: ۳۷) شیوه برخورد امام علیه السلام در برخورد با دولت موقت و نهضت آزادی، به‌دلیل انحراف آنها از اسلام، دستور برخورد با علمان ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران به‌علت شرارت‌های ضداسلامی، (همان: ۱۴ / ۱۲۶) تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی برای حاکمیت هنجارهای رفتاری اسلام در ایران، فتوای ارتداد سلمان رشدی به‌دلیل مقبله وی با اسلام، پنیرش قطعنامه ۵۹۸ به‌دلیل انجام تکلیف الهی و تقدم رضایت حق تعالی، نمونه‌های بارز این مفهوم است.

دو. مردم‌محوری: ایشان رضایت خدا را در رضایت مردم دانسته و می‌فرمود: «برای خدا، مردم را راضی نگه دارید» (همان: ۱۷ / ۱۶) و بارها بر نقش محوری مردم در تصمیم‌گیری تأکید می‌ورزید: «در ایران اسلامی، مردم تصمیم‌گیران نهایی تملی مسایلند». (همان: ۱۶ / ۲۶۶) تأکید مکرر ایشان بر حضور در صحنه‌های مختلف از جمله انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری، تنفیذ ریاست جمهوری همه رؤسای جمهور و منتخب مردم به‌ویژه بنی‌صدر برخلاف میل باطنی خویش، حمایت از مجلس شورای اسلامی منتخب مردم، تأکید بر جمهوریت در کنار اسلامیت نظام به‌عنوان قالب و بستر ساختاری حضور مردم در تصمیم‌گیری، پیام ایشان درباره تعیین تکلیف گروگان‌های آمریکایی در قضیه اشغال لانه جاسوسی<sup>۱</sup> و... همگی حاکی از برخورد عملی

---

۱. امام علیه السلام در پیمای درباره قضیه اشغال لانه جاسوسی فرمود: «لهر گروگان‌ها، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگان‌ها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند، تصمیم بگیرند؛ زیرا این مرهمنده که باید در جریان‌های سیاسی دخالت داشته باشند» (امام‌خمینی، ۳۷۸: ۱۲ / ۱۶۲)

امام علیه السلام برای حضور مؤثر مردم در تصمیم‌گیری است.

سه. مشورت: امام علیه السلام اهتمام زیاد و جدی به نظرات کارشناسی داشتند و تصمیم‌گیری عجل‌آلوده را محکوم کرده (همان: ۱۸ / ۳۳۹) و همواره به مسئولان امر و تصمیم‌ساز، لزوم مشورت و احتیاط را یادآور می‌شدند (همان: ۱۸ / ۷) امام علیه السلام با تأکید بر تصمیم‌گیری شورایی در همه امور، تا آنجا که مخالف اسلام و مصلحت نبود، پیرو دیدگاه‌های کارشناسان بودند. تصمیم ایشان در انتخاب بازرگان به‌نخست‌وزیری در دولت موقت، تصمیم بر ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، تأکید بر ضرورت ابقای مهندس میرحسین موسوی با وجود اختلاف با رئیس‌جمهور وقت و مواردی از این قبیل، همگی پس از مشورت با کارشناسان عالی سیاسی و نظمی صورت گرفت.

چهار. قانونمندی: یکی از ملاک‌های تخلف‌ناپذیر در نظام تصمیم‌گیری امام علیه السلام، قانون‌محوری بود. امام علیه السلام در پیمای به‌نخست‌وزیر و هیئت دولت در ۳۶۷/۳/۲۳ ضمن برشمردن زبان‌های خروج از محدوده اختیارات قانونی، تأکید کردند هرگونه اعتراض و موضع‌گیری که موجب تضعیف و تخریب سیاست‌ها شود، برای نظام شکننده است و آنرا محکوم کردند (همان: ۲۱ / ۶۵) یکی از مهم‌ترین مأموریت‌هایی که امام علیه السلام به دولت موقت واگذار کردند، تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی بود تا امر بر مدار قانون باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۹) ایشان در قضیه گروگان‌ها، راه‌حل نهایی را به نهادهای قانونی ارجاع دادند (امام‌خمینی، ۳۷۸: ۱۲ / ۱۶۲) پنج. مصلحت‌گرایی: توجه به مقتضیات و شرایط موجود که بیانگر واقع‌نگری امام علیه السلام بود، از مهم‌ترین اصولی بود که در تصمیم‌گیری امام علیه السلام نقش اساسی داشت. امام در پیمای به‌نسبیت تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۸ فرمود:

یکی از مسایل مهم در دنیای پر آشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. (همان: ۲۱ / ۲۱۷)

امام علیه السلام در راه تشخیص مصلحت، از آبروی خود می‌گشتند و با خدا معامله می‌کردند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸، انشعاب در روحانیت مبارز و تشکیل مجمع روحانیان، تأکید بر ابقای دولت میرحسین موسوی در سال ۱۳۶۴، و نله به‌گورباچف را باید در این چارچوب تحلیل کرد.

شش. قاطعیت، سرعت و ثبات: امام علیه السلام معتقد بودند تصمیم‌گیری با تزلزل به نتیجه نمی‌رسد و تصمیم باید با جزمیت همراه باشد. (همان: ۱۸ / ۴۶۳) حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره قاطعیت امام علیه السلام می‌گوید:

امام علیه السلام در مسایل قاطع بودند. یا تصمیم نمی‌گرفتند یا اگر به تصمیم می‌رسیدند، هیچ چیز نمی‌توانست ایشان را از تصمیمشان باز دارد. (اهواری، ۱۳۸۵: ۲۴۹)

تأکید بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی با وجود مخالفت بعضی دولتمردان از جمله بازرگان، (اسماعیلی، ۳۸۰: ۱۳۴-۱۲۴) دستور شکست حصر آبادان (امام خمینی، ۳۷۸: ۱۳ / ۳۳۳) و تأکیدات مکرر بر ضرورت عدم مسامحه در جنگ، (همان: ۱۳ / ۱۲۲) نلمه بهمیرحسین موسوی در خصوص تصمیم‌گیری سریع در مورد انتخاب رئیس بانک مرکزی (همان: ۲۰ / ۱۵۳) و نمونه‌های بسیاری دال بر قاطعیت و سرعت تصمیم‌گیری ایشان است. هفت. کسب اطلاعات و اخبار: امام علیه السلام سازوکاری ترتیب داده بودند تا آخرین اطلاعات و اخبار ایران و جهان از تمام منابع و راه‌های موجود به ایشان منتقل شود تا بهتر به‌تجزیه و تحلیل برای تصمیم‌گیری مطلوب بپردازند (وجدانی، ۳۷۶: ۲ / ۶۳ و ۶۴) حجت‌الاسلام محتشمی می‌گوید:

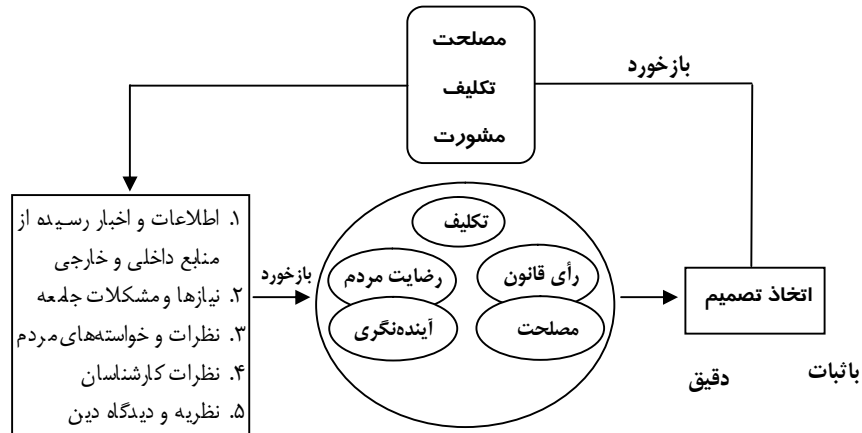
امام علیه السلام به‌دقت مواضع دشمن را بررسی می‌کرد و دستور داده بود که تمام روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و اظهار نظرها در رادیو و تلویزیون بررسی شود و هر روز خلاصه‌ای از آنها، به‌نفع و برضد انقلاب، اسلام و مردم به ایشان داده شود. (رجایی، ۱۳۸۴: ۲۰۷)

هشت. آرمان‌گرایی و آینده‌نگری: امام علیه السلام با تکیه بر باورهای عمیق منهبی و اعتقاد به‌سنن الهی و آموزه‌های دینی و آرمان‌موعودگرایی و تحقق حاکمیت مستضعفان، در تصمیمات خود بر آرمان‌گرایی و آینده‌نگری متکی بودند (گودرزی، ۳۸۶: ۱۰۶ و ۱۲۲-۱۲۰) و پیش‌بینی فرجام بسیاری از رخدادهای سیاسی در زمان حیات ایشان، در این اصل مهم ریشه دارد؛ از این‌رو، ایشان تصمیمات را با افق آینده‌نگری نگریسته، بلکه به‌تصمیم‌گیران نیز توصیه

می‌کردند هدف اصلی تصمیم‌هایشان را رسیدن به آرمان مقدس اسلام، قرار دهند. (ام‌خمينی، ۳۲۸: ۱۹ / ۳۳۱)

نه. حل مشکلات: امام‌فدائیه همواره به مسئولان دولت توصیه می‌کردند که تصمیمات آنان باید معطوف به حل مشکلات و نیازمندی‌های عمومی باشد (همان: ۶ / ۵۱۹) و خود نیز، شخصاً در رسیدگی به مشکلات افراد جامعه به ویژه محرومان و مستضعفان و حل مشکلات سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی وارد عمل می‌شدند. رفع مشکل قیمت‌ها در زمان جنگ که رو به بحران بود، تسریع در احداث سد پانزده خرداد قم (همان: ۲۱ / ۱۳۹) و... نمونه‌هایی از دخالت مستقیم امام‌فدائیه در حل مشکلات و نیازمندی‌های مردم بود.

با توجه به اصول یادشده و نظر به الگوهای چهارگانه تصمیم‌گیری، می‌توان نتیجه گرفت که امام‌فدائیه طراح الگوی نوینی از تصمیم‌گیری بودند که نویسندگان، نام الگوی عقلانی - الهی بر آن می‌نهند در این الگو، تصمیم‌گیرنده براساس آرمان و تکلیف الهی، مشورت با خبرگان و مبتنی بر اخبار و اطلاعات لازم، با رعایت اصل مصلحت و با توجه به نظرات و نیازهای مردم و جامعه و با رعایت و حفظ شأن قانون و نهادهای قانون و با قاطعیت عمل می‌کند (نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲. (الگوی تصمیم‌گیری الهی - عقلانی در مدیریت سیاسی امام‌فدائیه)

### ۳. سازماندهی

حضرت امام علیه السلام به‌لر سازماندهی اهتمام می‌ورزیدند و در اولین بیانات خویش بعد از انقلاب بر ضرورت سازماندهی، عمل‌گرایی و یکپارچگی همه‌اقتشار برای اصلاح‌لرور تأکید کردند (همان: ۳۶۵ / ۷) ایشان با طرح نظریه‌ ولایت فقیه در همان دوران مبارزات و عملی‌کردن آن، مبتکر و طراح ساختار حکومت اسلامی در دنیای‌لرور بودند نظمی‌که بعد از انقلاب مبتنی بر این نظریه بنا گردید، ساختاری است منسجم‌که دارای مرکز و پیرلمون است؛ بدین صورت‌که نهاد ولایت در کانون ساختار قرار گرفته‌که ضمن اسلامی‌بودن نظام است و از طرف دیگر، نهادهای پیرلمونی حافظ جمهوریّت نظام می‌باشد و شامل نخبگان و علماء، نهادهای انقلابی - فرهنگی و مناسک اجتماعی می‌شود. (افتخاری، ۳۷۹: ۱؛ ۶۲) مهم‌ترین اصول سازماندهی‌که مورد توجه امام علیه السلام بود عبارتند از:

یک. دین‌محوری: از نگاه امام علیه السلام، عمل سازماندهی مردم ایران، دین و التزام به شعائر مذهبی، مانند بزرگداشت عزای امام حسین علیه السلام است. (امام خمینی، ۳۷۸: ۱ / ۴ / ۲۰) به همین سبب است‌که ایشان تأکید داشتند‌که قدرتهای بزرگ با فعالیت و تبلیغات و زحمت زیاد، مردم را سازمان داده و جمع می‌کنند و به‌همین دلیل، در ایران نیازی به زحمت و تبلیغات نیست. (همان: ۳۴۵ / ۱۶) ایشان از دیگر مناسک و پایگاه‌های اسلامی مثل حج ابراهیمی و مساجد نهایت استفاده را برای سازماندهی می‌کردند. ایشان در جمع متولیان‌لرور حج برای سازماندهی الهی در برابر جنود ابلیس اعلان برائت کردند (همان: ۳۱۶ / ۲۰) و بارها بر جایگاه رفیع مسجد در پیشبرد اصول سازماندهی تأکید کردند. ایشان بر وجود اساس اسلامی در سازمان‌ها توجه جدی داشتند (همان: ۲۱۱ / ۱۳) ضرورت جهت‌گیری تشکیلات در مسیر اسلام و ملت از جمله لوازم تولید سازمان‌ها از نگاه امام علیه السلام است. (همان: ۴۵۵ / ۷)

دو. تشکیل نهاد، سازمان و احزاب: امام علیه السلام برای سلماندهی‌لرور، به‌تأسیس نهادها و تشکیلات انقلابی اقدام کرد. تشکیل شورای انقلاب در ۳۵۷/۱۰/۲۲، دادگاه‌های انقلاب اسلامی در ۳۵۷/۱۲/۵، کمیته انقلاب اسلامی در ۳۵۷/۱۲/۱۰، سپاه پاسداران در ۳۵۸/۲/۲، بسیج مستضعفان در ۳۵۸/۹/۵، نهضت سوادآموزی در ۳۵۸/۱۰/۷، جهاد سازندگی در ۳۵۸/۳/۲۷،

بنیاد مستضعفان در ۳۵۸/۲/۹، بنیاد شهید در ۳۵۷/۲/۲۲، بنیاد مسکن در ۳۵۸/۱/۲۱، شورای عالی تبلیغات اسلامی در ۳۶۰/۴/۸، تأکید بر آزادی اجتماعات حزبی و مردمی، (همان: ۴ / ۲۶۶) موافقت با تشکیل حزب جمهوری اسلامی به پیشنهاد شهید بهشتی، (رجایی، ۲۸۴: ۲۴۲) موافقت با انشعاب در جمعه روحانیت و تشکیل مجمع روحانیان مبارز، حکم تشکیل ستاد کمک‌رسانی به مردم منطلق مباران‌شده ۴ ۳۶۲/۷/۸، (امام‌خمنی، ۳۷۸: ۱۸۰ / ۱۸) و موافقت با تأسیس نهادهای نیروهای سه‌گانه ارتش و سپاه برای طراحی و اجرای عملیات‌های دفاع مقدس، از جمله تبلیغ‌ر امور در خصوص سازماندهی بود.

سه. مردم‌گرایی و بسیج همگانی: امام‌زاده با اعتماد به مردم، بسیج بیست‌میلیونی تشکیل داده و همواره بر سازماندهی مردمی و فراگیر تأکید می‌کردند (همان: ۱۳ / ۲۱۱) همه مردم به ویژه جوانان بسیجی به فرمان امام‌زاده در پایگاه‌های مقاومت به عنوان بسیجی گرد آمدند و با اشاره ایشان به جبهه‌ها هجوم برده و در پیروزی رزمندگان نقش داشتند فرماده سپاه در زمان جنگ می‌گوید «عمل اصلی پیروزی‌های عظیم نظمی در جنگ، بسیجیان بودند». (هیئت نویسندگان، ۳۷۸: ۳ / ۲۰۰) امام‌زاده بسیج همگانی و مستضعفان را محدود به ایران نمی‌دانستند و به تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان معتقد بودند (امام‌خمنی، ۳۷۸: ۲۱ / ۵۳)

چهار. تقسیم کار: امام‌زاده برای انتظام بیشتر و باکیفیت‌تر امور، بر ضرورت تفکیک وظایف در قوا تأکید داشتند (همان: ۸ / ۳۹۹) ایشان در پی‌امی به نخست‌وزیر و هیئت دولت، آنان را به عدم دخالت در امور یکدیگر فراخواندند و این‌گونه دخالت را هر چند به قصد رشد و دلسوزی باشد، جایز ندانسته و ضرر آنرا بیشتر از نفع آن می‌دانستند (همان: ۲۱ / ۶۴ و ۶۵) تأسیس نهادهای انقلابی و دیگر تشکیلات لازم که هر یک متکفل امور مهمی در اداره و سله‌اندهی امور بودند حاکی از اهتمام امام به تقسیم کار است: بسیج و کمیته انقلاب اسلامی بام مأموریت‌های چندگانه، جهاد سازندگی برای استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی، سازمان تبلیغات به منظور تقویت و نشر ارزش‌های اسلامی، سپاه پاسداران بام مأموریت پاسداری از دستاوردهای انقلاب، شورای انقلاب برای انتظام در سیاست‌گذاری، شورای نگهبان بازوی حقوقی انتظام ملی، مجلس خبرگان به منظور حفظ و تقویت ولایت فقیه در نظام، مجمع تشخیص مصلحت نظام

برای حفظ انتظام در بحران‌ها، نهضت سوادآموزی برای سلباندهی ملت براساس شعور و آگاهی. (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۳۷)

پنج. وحدت در هدف: امام علیه السلام وحدت در هدف و رویه را برای همه دستگاه‌ها و وحدت بین مردم و علما، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۳۹۶) بین قوای نظام و انتظام و ملت (همان: ۷ / ۹۵) و دیگر ارکان دولت و ملت را ضروری می‌دانستند. ایشان در جایی فرمودند:

تا امور، آن‌گونه اجتماعی نباشد و همه افراد، یک‌رویه و هدف نداشته باشند، کارها پیش نمی‌رود. (همان: ۱۷ / ۱۲۹)

سیره عملی امام علیه السلام نیز بیانگر به‌کارگیری این اصل مهم در پیشبرد امور است: مسئله دولت موقت، مسئله انقلاب فرهنگی و ضرورت وحدت استراتژیک حوزه و دانشگاه، وحدت در مسئله حزب جمهوری اسلامی، لزوم وحدت بین دولت و مجلس در همه دوره‌ها به‌ویژه دوره نخست‌وزیری میرحسین موسوی و... همگی مؤید ادعای مذکور است.

شش. رعایت سلسله‌مراتب: امام علیه السلام بارها به‌ضرورت رعایت نظم و سلسله‌مراتب در ارگان‌های دولتی، به‌ویژه نظامی تأکید کردند:

ارتش اسلامی، باید با حفظ سلسله‌مراتب و نظام صحیح اسلامی و اطاعت کامل زیردست از مافوق اداره شود. متخلف از این امر، ضد انقلاب است و مؤاخذه می‌شود. (همان: ۷ / ۲۱)

ایشان تأکید کردند:

باید برای خدا، مراتب و سلسله‌مراتب را حفظ کنید و اگر بنا باشد هرکس خودش رأی بدهد و علی‌حده عمل کند، آن وقت است که معنویات و موفقیت‌های عادی هم از بین می‌رود... با هم برادر هستیم. لیکن اگر نظام نباشد، برادری هم از بین می‌رود. (همان: ۱۷ / ۱۵)

هفت. تفویض امور و اختیارات: امام با شناسایی افراد صالح مورد اعتماد و کارآمد بسیاری از امور را به‌ایشان واگذار می‌کرد: واگذاری اختیارات اقتصادی در مورد تهیه و توزیع کالا و دیگر امور اقتصادی به‌وکلاهی مجلس در ۱۳۶۲/۲/۲۳، (همان: ۱۷ / ۴۲۳)، تفویض اختیارات

فرماندهی کل قوا به شهید سرلشکر فالاحی در ۱۳۶۰/۳/۲۱ (همان: ۱۴ / ۲۹) و به وزیر کشور برای اصلاح مقررات و ترفیع و تشویق نیروها در امور نیروی انتظامی در ۱۳۶۴/۸/۲۲ (همان: ۱۹ / ۴۲) گماشتن نماینده در استان‌ها، نهادها، سازمان‌ها و ... از جمله تدبیر امام‌مبارک در اصل تفویض امور و اختیارات بود.

هشت. گزینش افراد صالح و کارآمد: امام‌مبارک در گزینش افراد برای مسئولیت‌های سازمانی، براساس معیارهای اسلامی و انقلابی توجه جدی داشته و بارها بر رعایت این معیارها از سوی متصدیان امر، تأکید داشتند. ایشان، صلاح بودن، تعهد کارآمدی، اسلامی و انقلابی بودن، دانشمند و متفکر بودن و تقوا را معیارهای لازم یک مدیر می‌دانستند. (همان: ۵ / ۳۰۸؛ ۷ / ۳۷۶؛ ۱۳ / ۵۱؛ ۱۶ / ۲۵۵)

نه. نوگرایی و خلاقیت و دقت: ایجاد تشکیلات با هدف تحقق آمال انبیا (همان: ۱۶ / ۱۶۱) و انسان‌سازی (همان: ۱۲ / ۵۰۴) با محوریت اسلام (همان: ۷ / ۱۸۵) نیازمند زحمت زیاد (همان) و زمان مناسب (همان: ۳ / ۳۹۶) و دقت، خلاقیت و نوآوری بود که امام‌مبارک بارها به متصدیان امر، توجه به ایجاد تشکیلات نوین را گوشزد کرده بودند. (همان: ۱۲ / ۱۶۳) همچنین جوان‌گرایی امام‌مبارک در مسئولیت‌ها از جمله دفاع مقدس، بیانگر توجه امام‌مبارک به نوگرایی و خلاقیت ایشان در امور بود. (نیکجو و آقابابایی، ۳۸۵: ۱؛ ۳۰۱) استفاده ایشان از زنان در امور مهم از جمله تأکید بر بودن یک زن در هیئت اعزله ایران به‌شوروی برای ابلاغ نامه تاریخی امام‌مبارک به گورباچف، بیانگر دقت ایشان در مسایل بود.

#### ۴. هدایت

هدایت، یکی از محوری‌ترین شاخصه‌های مدیریتی بود که امام‌مبارک به‌عنوان یک رسالت اسلامی، به آن نگریده و تمام تلاش خود را با شیوه‌های مختلف برای ایجاد بصیرت و هدایت با استفاده از انگیزش و ارتباطات در جامعه، تا رسیدن به هدف اصلی جامعه دینی - رسیدن به کمال - به‌کار گرفت. این شاخصه شامل سه بخش رهبری، انگیزش و ارتباطات است. یک. رهبری: مهم‌ترین محور رهبری امام‌مبارک، قدرت نفوذ ایشان در اداره امور و راهبری و



جهت‌دهی جمله به‌سوی اهداف مطلوب است. منابع قدرت نفوذ امام علیه السلام عبارتند از:

**الف) قدرت مرجعیت و شخصیتی:** عنای شخصیتی امام علیه السلام سبب شد بیشتر مسئولان و آحاد مردم، به امام علیه السلام عشق بورزند و اطاعت از امام علیه السلام به دلیل ویژگی‌های بی‌نظیر شخصیتی ایشان که موجب جلب اعتماد و علاقه مردم شده صورت پذیرد؛ به‌طوری‌که سخنان و دستورات ایشان به‌عنوان فصل‌الخطاب مورد پذیرش همگان قرار گیرد. از جمله ویژگی‌های شخصیتی امام علیه السلام عبارتند از: اسلام‌محوری، خدمحوری و اخلاص، مردم‌باوری، مردم‌دوستی، مردم‌محوری، دانایی (جمعیّت علمی امام علیه السلام در فقه، فلسفه، اصول، تفسیر، اخلاق، عرفان و...)، مرجعیت دینی و اخلاقی، اعتمادبه‌نفس، قاطعیت، صبر و استقامت، اشتباه‌پذیری، حقیقت‌نگری، ساده و روان سخن گفتن (بیان نافذ)، از اعماق جان سخن گفتن، صراحت، ایشار و گذشت، تقدم دیگران بر خود، پناهگاهی مطمئن برای مستضعفان و محرومان، نظم و انضباط در مورد شخصی و اجتماعی، احیای روحیه غرور و خودباوری در مردم، عزت‌بخشی به مسلمانان و ظلم‌ستیزی.

**ب) قدرت قانونی:** امام علیه السلام با قدرت بالا و نفوذ بی‌نظیر خود در میان مسئولان، با تأکید بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، با وجود مخالفت برخی مسئولان وقت، از جمله بازرگان و همراهان وی، درصد قانونمند کردن اصل ولایت فقیه و اختیارات مطلقه وی برای اداره امور بودند امام علیه السلام هنگامی که فهمیدند بازرگان در اعتراض به گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی تصمیم گرفته‌اند که یا انحلال مجلس خبرگان را مطرح کنند و یا استعفای دسته‌جمعی بدهند در مقابل آنها ایستادند و به آنها فرمودند که با استعفایشان موافقت خواهند کرد. (همان: ۱۱۳)

**ج) قدرت تخصصی:** تسلط و اشراف امام علیه السلام بر علوم اسلامی و قدرت، شناخت، بصیرت و بینش بالای امام علیه السلام به‌مسائل ایران و جهان و دنیای سیاست، امام علیه السلام را به‌عنوان یک سیاستمدار مقبول، مطرح کرده بود. همچنین تجربه در پیروزی نهضت انقلابی مردم ایران در سرنگونی رژیم پهلوی نشان داده بود که امام علیه السلام از توانایی لازم برای اداره امور کشور برخوردار است.

د) قدرت انگیزش و پاداش‌دهی: با توجه به جهان‌بینی و آخرت‌نگری امام‌علیه‌السلام و همچنین مؤمن بودن مردم، ایشان ضمن تشویق مسئولان و مردم به انجام وظایف خویش، آنان را به پیروزی و نصرت الهی، وعده داده و پاداش‌های اخروی را یادآور می‌شوند.

ه) قدرت روشنگری و بصیرت‌دهی: تلاش امام‌علیه‌السلام این بود که مردم، رشد کرده و خودشان در استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و ابعاد و سطوح گوناگون آن احساس مالکیت کنند و خود آنرا اداره کنند. امام‌علیه‌السلام با الهام از تعلیم اسلامی درباره وظایف امام‌علیه‌السلام که تعلیم و تربیت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴۰ و آیات مختلف قرآن کریم)، معتقد بودند اجتماعات مردمی باید پایگاه تعلیمات باشد و از این طریق، نهضت فکری و سیاسی اسلام، توسعه یابد. (امام‌خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳) ایشان از هر فرصتی برای اطلاع‌رسانی روشن و سازنده نسبت به مسایل بهره می‌گرفتند و ضرورت آنرا برای اداره جامعه اسلامی متذکر می‌شوند. (نقی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۹؛ امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۵۰۸) ایشان بارها مسئولان و ملت را به بصیرت‌یابی فراخواندند. (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۹۱) و با آگاهی کامل از انتظارات و ارزش‌های حاکم بر جامعه اسلامی، از طریق انگیزش و ارتباطات که دو اصل مهم در هدایت است، به بصیرت‌افزایی جامعه پرداختند.

با توجه به مبلغ پنج‌گانه قدرت امام‌علیه‌السلام قدرت رهبری خویش را در درجه اول با تکیه بر شخصیت جمع که ذوب در اسلام بود، به دست آورد. سپس آن قدرت را به صورت قانونی، تثبیت و نهادینه کرد. آنگاه با استفاده از دانیایی و توانایی خویش در عرصه اداره کشور و شیوه‌های انگیزشی و اعتمادبخشی و روشنگری، عملاً قدرت رهبری‌اش را ظاهر کرد.

دو. انگیزش: اندیشمندان مدیریت معتقدند رمز موفقیت امام‌علیه‌السلام در اداره جامعه، قدرت بالای انگیزش بود. امام‌علیه‌السلام بر اساس نیازهای فطری و غریزی به‌عنوان دویعد اساسی از نیازهای انسانی و کمال‌طلبی، عقل‌گرایی و حس‌گرایی و حق‌طلبی، از شاخص‌هایی در انگیزش مردم و مسئولیت، نهایت بهره‌برداری را کردند که عبارتند از:

الف) تکلیف‌گرایی و اسلام‌دوستی: امام‌علیه‌السلام بر تکلیف‌گرایی و جلب رضایت خدا و اسلام‌دوستی به‌عنوان محور رفتارها، با توجه به ایمان و اعتقاد مردم تأکید داشتند (همان: ۲۰ / ۹۶؛ ۲۰ /

۳۹۲؛ ۲۱ / ۳۳ و ... همچنین ایشان، اسلام را پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حلال مشکلات می‌دانستند (همان: ۳ / ۳۶۱؛ ۴ / ۱۴۵)

ب) وطن‌دوستی: امام علیه السلام بر وطن‌دوستی در کنار اسلام‌دوستی تأکید می‌کردند که سبب حضور مردم در صحنه‌ها به‌ویژه مرمری که با دین رابطه تنگ‌انگونی نداشتند بود. (همان: ۱۴ / ۲۸۵) ایشان فرمودند:

ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.  
(همان: ۲۱ / ۲۸۳)

ج) رضایت مردم: امام علیه السلام با فراهم کردن سازوکارهای قانونی و اجتماعی برای حضور پرشور مردم در عرصه تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری‌های مهم، رضایت آنها را به‌دست آوردند. تأکید ایشان بر حضور مردم برای رفع مشکلات (همان: ۱۵ / ۳۹۷) نظر بر تحریک رضایتمندی مردم برای حضور مؤثر در رفع نیازها و مشکلات عمومی است. همچنین فرمودند: «کار را به‌طوری انجام دهید که رضایت مردم جلب شود». (همان: ۱۴ / ۳۰۵) ساده‌زیستی امام علیه السلام و توصیه ایشان به ساده‌زیستی مسئولان، توجه به محرومان و مستضعفان، تأکید بر مرمری بودن مسئولان و ... از عوامل جلب رضایت مردم بوده است.

د) توجه و تأمین نیازهای معنوی و مادی: امام علیه السلام به تأمین نیازهای مردم به‌طور جدی و ویژه توجه داشتند:

۱. نیازهای اولیه (جسمی - زیستی): امام علیه السلام بر ضرورت توجه به نیازهای مردم، (همان: ۲۱ / ۲۸۸) ضرورت رفع نیازها، (همان: ۵ / ۲۰۲؛ ۷ / ۲۱۷؛ ۹ / ۴۰۹) توجه به نیازهای زیستی، (همان: ۱۲ / ۴۳۷) تشکیل نهادهایی بدین منظور مثل بنیاد مسکن، کمیته امداد امام علیه السلام و تشکیل ستادهایی برای رسیدگی به وضعیت مناطق محروم (همان: ۱۸ / ۱۸۰) تأکید می‌کردند که ناشی از توجه امام علیه السلام به نیازهای اولیه است.

۲. نیازهای ثانویه (روحی - اجتماعی): نمیدن روح اعتمادبنفس و خودباوری در ملت و مسئولان، شخصیت‌بخشی به افراد جامعه، فراهم کردن زمینه‌های ایجاد و حفظ امنیت، آرامش

روحی، روانی و اجتماعی در جامعه از طریق توجه دادن به‌خدا که مایه آرامش دل‌هاست، (م‌ام‌خمینی، ۱۳۶۲) تأسیس نهادهای انقلابی بسیج کمیته انقلاب اسلامی و سپه پاسداران و اصلاح ژاندارمری و ارتش قوای انتظامی به‌منظور تأمین امنیت داخلی و مرزی کشور و تأییدات برای حفظ امنیت، (م‌ام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۱ / ۴۲۱) تأسیس ستاد و نهادهای فرهنگی مثل سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد انقلاب فرهنگی و نهضت سوادآموزی و... برای تأمین نیازهای علمی و معنوی جامعه، از جمله مصادیق اهتمام امام‌علیه‌السلام بر تأمین نیازهای روحی - اجتماعی است.

ه) اصل تشویق و تنبیه: ق‌دردانی از افرادی که وظایفشان را درست انجام داده‌اند و انتقاد و اخطار و در صورت لزوم، تنبیه و عزل افرادی که در انجام امور محوله سستی و بی‌دقتی و انحراف داشته‌اند، از اصول محکمی بود که امام‌علیه‌السلام به‌خوبی از آن بهره گرفتند. توجه‌دادن دولت، مسئولان، ملت و رزمندگان دوران دفاع مقدس و... به‌نصرت و رضایت الهی و یاد خدا، تقدیر از زحمات، تلاش‌ها و وظایف مسئولان، (همان: ۱۷ / ۴۴۱ و ۵۱۰ / ۱۸ / ۴۹) ق‌دردانی از رزمندگان و ملت بسیجی (همان: ۱۵ / ۳۹۵؛ ۲۰ / ۱۹۶) و تجلیل از کارکنان و کارمندان دولت، (همان: ۲۱ / ۲۳۱) از مصادیق تشویق‌های امام‌علیه‌السلام بود. امام‌علیه‌السلام در برابر کسانی چون بنی‌صدر و منتظری و... که به‌منافع و مصالح ملت و اسلام بی‌توجه بودند، قاطع برخورد می‌کردند. (همان: ۹ / ۲۹۷)

سه. ارتباطات: ارتباطات مؤثر و کارساز امام‌علیه‌السلام، از عوامل موفقیت امام‌علیه‌السلام در رهبری انقلاب به‌شمار می‌رود. امام‌علیه‌السلام به‌خوبی می‌دانست، مدیریت موفق است که ارتباطات هدفمند، وسیع، مؤثر و عمیق با محیط اطراف داشته باشد. با توجه به‌عنصر و اجزای مهم ارتباطات، اصول حاکم بر ارتباطات حضرت امام‌علیه‌السلام را می‌توان به‌طور خلاصه برشمرد:

الف) فرستنده: اولین مرحله از فرایند ارتباطات، فرستنده است. میزان اعتبار و شخصیت فرستنده، نقش مهمی در میزان اعتبار پیام دارد. جمعیت علمی امام‌علیه‌السلام، تیزهوشی، بصیرت و آگاهی ایشان از مسایل در کنار بیان نافذ، گویا، صریح و در عین حال، ساده و به‌دور از پیچیدگی که برای همگان قابل درک بود، لحن همراه با تواضع، نرم‌خویی هنگام برخورد با مردم در کنار صلابت و قاطعیت را از ویژگی‌های برجسته ارتباطی ایشان می‌توان بیان کرد.

ب) پیام: مفید، موجز، مختصر، ساده، روشن، متین، صادق و صریح بودن کلام امام علیه السلام، از دلایل اصلی اعتماد و شوق گیرنده در پذیرش پیام ایشان بود.

ج) کانال‌های ارتباطی: امام علیه السلام به شیوه صحیح و مؤثر از کانال‌های ارتباطی استفاده می‌کردند؛ مثلاً هنر (قصه، تشبیه، تمثیل، خاطرات تاریخی و ...)، در سخنان، پیام‌ها و نوشته‌های امام علیه السلام دیده می‌شد (همان: ۱۱ / ۳۳۸؛ ۱۳ / ۱۷۹؛ ۱۸ / ۳۳ و ۴۵۳؛ ۱۹ / ۴۷۷؛ ۲۰ / ۱۶۰) ارتباط رودررو و مستقیم به صورت روزانه و هفتگی، دیدار با مسئولان، فرماندهان، عموم مردم و همه اصناف کارگران، کارمندان، بازاریان، روحانیان و دانشگاهیان، محرمان و خانواده‌های شهدا، استفاده از موعظه، تبلیغ، سخنرانی، پیام‌های متعدد، نامه‌نگاری، مصاحبه با رسانه‌ها، توجه ویژه به کانون‌های ارتباطی مؤثر مثل مساجد، نماز جمعه، محافل عزاداری به‌ویژه عزاداری سیدالشهدا، رسانه‌های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... کانال‌های ارتباطی بودند که امام به‌خوبی از آنها استفاده می‌کردند.

#### ۵. نظارت و کنترل

امام علیه السلام با آگاهی کامل از ضرورت کنترل و نظارت برای تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب در هدایت و رهبری جمعه، به‌شخصه‌های مهم کنترل و نظارت توجه داشتند:

یک. خودکنترلی: خودکنترلی، محوری‌ترین اصل رفتار مدیریتی امام علیه السلام در نظارت است که در واقع، نوعی مراقبت درونی است که براساس آن، وظایف محوله انجام و رفتارهای ناهنجار و غیرقانونی ترک شود؛ بی‌آنکه نظارت بیرونی باشد و تنها علت درونی موجب رفتار شود. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱۷) مهم‌ترین عواملی که به‌قدرت خودکنترلی منجر می‌شود، عبارتند از: اعتقادات و باورهای دینی، تقوا (رضایی‌زاده، ۳۸۶: ۲۳۰ - ۲۲۰)، میهن‌دوستی (امام‌خیمینی، ۳۷۸: ۱۱۷ / ۱۶۷؛ ۱۹ / ۴۹؛ ۲۱ / ۳۵۵) ارزش‌های انسانی و وجدانی. (همان: ۲۱ / ۴۲۷)

دو. نظارت همگانی: کنترل و نظارت همگانی، که از آن به «امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می‌شود، مورد اهتمام جدی امام علیه السلام قرار داشت. ایشان امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته (امام‌خیمینی، ۳۷۸: ۱۳ / ۴۶۷) و می‌فرمودند:

این کشور باید همهٔ افرادش، آمر به معروف و ناهی از منکر باشد. (همان: ۱۳ / ۴۶۹)

ایشان در اوایل انقلاب (اسفند ۱۳۵۸) شورای انقلاب را مه‌آور کردند که اداره امر به معروف و نهی از منکر تشکیل دهند تا به‌عنوان اداره‌ای مستقل از دولت، برای نظارت بر اعمال دولت و ادارات و تمام اقشار ملت باشد. (همان: ۹ / ۳ / ۲۱)

سه. نظارت مستقیم: امام‌زاده‌عجائب به‌مسائیل مهم، نظارت مستقیم داشتند و جزئیات مسائیل مملکت را به‌دقت زیر نظر داشتند؛ از جمله دنبال کردن اخبار و اطلاعات از رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی، شنیدن اخبار در تمام ساعات، پخش اخبار رادیو و تلویزیون، حمل رادیو با خود در تمام مواقع از جمله هنگام حمام، دستشویی، وضو گرفتن، قدم زدن، اعتراض به‌آهنگ پخش‌شده در رادیو پس از اذان صبح، اعتراض به‌حرف شعار مرگ بر شوروی در مراسم حج پس از آگاهی از طریق رسانه‌های گروهی، شنیدن سخنرانی مسئولان، مطالعه دقیق روزنامه و بولتن‌های متعدد و مطالعه نشریات مخالف و معاند شنیدن اخبار و اطلاعات از تمام افراد به‌طور جداگانه، مطالعه ترجمهٔ بخش‌های غیرفارسی رادیوهای بیگانه (رضایی‌زاده، ۳۸۶: ۱ / ۲۲۵) دقت در گزارش‌های رسیده، گوش کردن مذاکرات مجلس (رجایی، ۳۷۸ الف: ۱ / ۲۷۹) تشکیل جلسات سران قوا در حضور امام‌زاده‌عجائب.

چهار. نظارت غیرمستقیم: این شیوهٔ نظارت، برای سازمان‌های بزرگ و نظام‌های سیاسی رایج است. امام‌زاده‌عجائب نیز به‌این اصل توجه داشته و تصریح می‌کردند:

من که نمی‌توانم در همهٔ امور دخالت کنم، بالاخره من اشخاص دارم، باید اشخاص دخالت کنند. (رجایی، ۳۷۸ ب: ۱ / ۲۱۱)

ایشان به‌چهار طریق، بر امور نظارت غیرمستقیم داشتند: نظارت نمایندگان و فرستادگان امام‌زاده‌عجائب، نظارت روحانیان و نجیبگان، (امام‌خیمینی، ۳۷۸: ۸ / ۴۳۶؛ ۱۷ / ۲۱۱؛ ۱۹ / ۳۱۶؛ ۲۰ / ۴۳) نظارت مخفیانه، (آقابلدایی و نیکجو، ۳۸۵: ۱ / ۲۹۹)، نظارت نهادی. (امام‌خیمینی، ۳۷۸: ۱۵ / ۲۹۲؛ ۱۸ / ۴۶۶؛ ۱۹ / ۴۰۹)

پنج. نظارت معطوف به‌ارشاد: هدف نظارت، اصلاح و جلوگیری از انحراف است؛ از این‌رو،

امام علیه السلام بارها به نظران تأکید می‌کردند نظارت باید همراه با هدایت و ارشاد باشد. (همان: ۱۷ / ۴۱ و ۱۰۷) و این یکی از وجوه تمایز نظارت اسلامی با نظارت غیراسلامی است. ایشان همواره بر نقش هدایتگر و ارشادگونه خود تأکید می‌کردند (رجایی، ۳۷۸ اب: ۲۰۹) و بارها مسئولان، دست اندرکاران و ملت را هدایت و ارشاد می‌کردند؛ همچنین تکرار وعظ و ارشاد را مؤثر می‌دانستند (امام خمینی، ۳۷۸: ۱۴ / ۳۹۵) گفتار و کردار امام علیه السلام بعد از پیروزی انقلاب تا زمان رحلت، گواه صدق ادعای ماست.

شش. تنبیه افراد متخلف: بنای امام علیه السلام بر اصلاح و ارشاد خطاکاران بود؛ ولی از آنجا که این شیوه برای همگان جوابگو نبود، امام علیه السلام ابتدا به متخلفان اخطار می‌دادند، تهدید می‌کردند و یا اعتراض می‌نمودند و در مرحله بعد تنبیه و تعقیب قانونی و در صورت لزوم، عزل و در مواردی حکم به ارتداد آن شخص می‌دادند. تأکید امام علیه السلام بر ضرورت تنبیه متخلفان از قانون، (همان: ۱۷ / ۱۹۵؛ ۲۱ / ۵۷) بارها صورت گرفت.

هفت. تشویق افراد وظیفه‌شناس و درستکار: سیاست تشویق، مقدم بر سیاست تنبیهی امام علیه السلام بود. ایشان همواره بر ضرورت تشویق و تقدیر از کسانی تأکید داشتند که وظایفشان را به نحو احسن انجام می‌دهند و عملاً خود نیز بارها به تشویق و تقدیر از دولت، ملت و خانواده‌های شهدا، رزمندگان، ایشارگران و ... زبان گشودند (همان: ۱۹ / ۳۶۱ و ۴۳۰؛ ۲۰ / ۳۵ و ۱۷۲)

درباره فرایند کنترل و نظارت، امام علیه السلام با تعیین اهداف و بایدهای نظام که همان تحقق جامعه اسلامی - رضایت خدا و رضایت خلق خدا می‌باشد، شاخص‌های سنجش عملکرد را قوانین و مقررات اسلامی، قانون اساسی، منافع و مصالح ملت دانستند. آنگاه با جمع‌آوری اطلاعات به روش‌های نظارت همگانی مستقیم و غیرمستقیم برای اصلاح امور، تدابیر لازم ارشادی، تشویقی و تنبیهی را اتخاذ می‌کردند.

## نتیجه

هرچند در ظاهر، الگوی مدیریتی امام علیه السلام دارای اصولی مشابه با دیگر مکاتب مدیریتی است، ولی این عناصر تفاوت ماهوی با عناصر الگوهای مدیریتی مکاتب رایج غربی دارد که به آنها

اشاره می‌شود:

یک. برنامه‌ریزی: امام‌زاده علیه السلام در برنامه‌ریزی خود، از روش‌های علمی‌ای استفاده کرده است که به‌کارآمدی و پاسخگو بودن برنامه کمک کند و منافاتی با اسلام نداشته باشد. ولی با توجه به جمع‌نگری و هدف‌گذاری دین‌مدارانه و واقع‌نگری مصلحت‌جویانه و با نگرش عقلانی و شهودی به‌آینده براساس سنت‌های الهی، با تأکید بر وحدت رویه و مشورت با نخبگان و ضرورت بازنگری در برنامه با گذشت زمان پس از بررسی‌های لازم، به‌طراحی و برنامه‌ریزی در ادارهٔ جامعه اهتمام داشتند.

دو. تصمیم‌گیری: الگوی تصمیم‌گیری امام‌زاده علیه السلام، مبتنی بر الگوی تصمیم‌گیری اسلامی، تصمیم‌گیری الهی - عقلانی است که طبق نظر «نرم‌ن مایر»، ارزیابی کارایی تصمیم، ضمن بالا بودن کیفیت تصمیم، پذیرش مجریان را نیز به‌همراه دارد.

سه. سازماندهی: الگوی سازماندهی امام‌زاده علیه السلام مبتنی بر نظام ولایی است که دارای مرکز و پیرامونی است؛ ساختاری با محوریت ولایت و پیرامونی متشکل از نهادهای انقلاب، قوای رسمی و سه‌گانه، نمایندگان ولی‌فقیه در نهادها و استان‌ها و مناسک دینی است که استخوان‌بندی و شاکلهٔ سازماندهی در اصول محور ولایت را با در نظر گرفتن شاخصه‌های اسلام، برادری، سلسله‌مراتب نوگرایی در تشکیلات، تشکیل می‌دهد. امام‌زاده علیه السلام از سازمان‌های رسمی و غیررسمی، برای اهداف عالی نظام به‌نحو احسن و اکمل استفاده کرد و ارائه‌دهنده الگوی نوینی از سازماندهی همگانی در مدیریت سیاسی امروز بود.

چهار. هدایت و رهبری: اولاً، قدرت نفوذ امام‌زاده علیه السلام در جامعه و پذیرش رهبری ایشان از سوی مردم و مسئولان، بیش از همه مبتنی بر اقتدار فراکارزمایی یعنی اقتدار شخصیت الهی - مردمی بود، در حالی که هیچ‌یک از مدیران و رهبران سیاسی معاصر دارای چنین اقتداری نبودند.

ثانیاً، امام‌زاده علیه السلام در جایگاه نیابت امام زمان علیه السلام، به‌عنوان یک رسالت دینی، به‌صورت بخشی احاد مردم و مسئولان با استفاده از تعلیم و تربیت اسلامی و توسعه آن، اطلاع‌رسانی سازنده و روشن، همیدن روح احساس مسئولیت، خودباوری، کره‌مت و عزت در ملت اسلامی می‌پرداخت



و از جمله عقبه مانده، ناامید ناآگاه و جاهل، جمله‌ای فرهیخته، بصیر، روشن بین و بالانگیزه ساخت که نمونه چنین رهبری را که با آموزه‌های دینی و انسانی به‌چنین توفیقی نایل آمده باشد در جهان معاصر نمی‌توان یافت.

ثالثاً، امام علیه السلام با تکیه بر منبع معنوی و مادی (منبع معنوی نقش برجسته و مؤثرتری دارد) به‌انگیزش جمله پرداخت و نقش محوری در حرکت انقلابی اداره جمله بعد از پیروزی انقلاب ایفا کرد. این در حالی است که در مکاتب رایج مدیریتی، به‌عوامل مادی بیشتر توجه می‌شود تا عوامل معنوی و در مواردی که به‌عوامل معنوی توجه شده، تکبُعدی بوده است، نه چندبُعدی.

رابعاً، الگوی ارتباطاتی امام علیه السلام در جمله مبتنی بر عوامل معنوی بود که اعتبار شخصیت فرستنده، اعتبار پیام و اثرگذاری کانون‌ها و کانال‌های ارتباطی و دریافت پیام به‌وسیله گیرندگان بصیر و آگاه و بالانگیزه را به‌روشنی ترسیم می‌کرد. ویژگی‌های امام علیه السلام از جمله تیزهوشی، جامعیت علمی، تواضع و صداقت، قدرت بیان و بصیرت، شخصیتی معتبر و جذاب را برای کسانی می‌ساخت که با ایشان مرتبط بودند. پرواضح است که الگوی ارتباطات امام علیه السلام از نظر ماهیت، با الگوهای رایج ارتباطی در مدیریت تفاوت اساسی دارد.

پنج. نظارت و کنترل: الگوی نظارت و کنترل امام علیه السلام پس از تبیین بایدها (تحقق جمهوری اسلامی و استقلال و آزادی) و تعیین شاخص‌ها (قانون اسلام، قانون اساسی، رضایت مردم تا منافع و مصالح جمله) و توجه به‌ضرورت الگوسازی جدید از حکومت اسلامی براساس سیره عملی نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام، با خودکنترلی به‌عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می‌شود. خودکنترلی مبتنی بر خدا حاضری و خدا ناظری، بازگشت اعمال در قیامت، ارزش‌های والای انسانی، وجدان و... می‌باشد که تکلیف رفتار انسان را مشخص می‌کند و هرکسی بهترین ناظر اعمال خویش است و با تحقق این عمل، دیگر نیازی به‌سیستم‌های کنترل بیرونی نیست، ولی این آرمان، در عالم واقع تحقق‌ناپذیر است؛ از این‌رو، امام علیه السلام توجه به‌نظارت همگانی همراه با ارشاد (به‌عنوان یکی از ضروریات دین) را محور بُعدی نظارت قرار داده و نظارت مستقیم و غیرمستقیم، با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی مختلف به‌همراه اقدامات اصلاحی در صورت نیاز (اعم از تشویق، ارشاد، انتقاد، اخطار، تهدید و تنبیه و...) را مورد توجه

قرار دادند توجه به عمل خودکنترلی و نظارت همگانی همراه با ارشاد از جمله امتیازات این الگو در مقایسه با الگوهای مشابه در تئوری‌های مدیریت است. با توجه به این مباحثه می‌توان نتیجه گرفت:

۱. رهیافت و الگوی مدیریتی امام<sup>علیه السلام</sup>، الگوی جدیدی در دنیای مدیریت است که از آن، به‌الگوی جامع اسلامی تعبیر می‌شود.
  ۲. توجه ویژه و محوری به عوامل و منابع معنوی در مکتب و الگوی مدیریتی امام<sup>علیه السلام</sup>، جایگاه برجسته‌ای به این مکتب در میان مکاتب مدیریتی می‌دهد.
  ۳. رهیافت، مکتب و الگوی مدیریتی امام<sup>علیه السلام</sup> در مبانی، نگرش، بینش و اصول با دیگر مکاتب به‌لحاظ محتوا تفاوت دارد.
- در این الگو، توجه به نقش مردم و دین در اداره جامعه مشهود است و می‌تواند به‌عنوان یک الگوی مجرب و کارآمد مورد استفاده دیگر مدیران اسلامی و معتقد به ارزش‌های الهی قرار گیرد.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقابابایی، زهره و علی احسان نیکنجو، ۱۳۸۵، *نگرشی بر اصول و مبانی مدیریت نظامی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس*، تهران، نقش بیان و عصر فرزندانگان.
۴. آقاآپایروز، علی و دیگران، زیر نظر سیدمهدی الوانی، ۱۳۸۴، *مدیریت در اسلام*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. احمدی، مسعود، ۱۳۸۵، *مبانی سازمان و مدیریت*، چاپ هفتم، ساری، پژوهش‌های فرهنگی.
۶. استونر، جیمز و همکاران، ۱۳۷۹، *مدیریت*، جلد اول، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.





۲۹. *بر اصول و مفاهیم*، قزوین، دانشگاه آزاد.  
نقی‌پورفر، ولی‌الله، ۱۳۸۴، «رهبری بصیر در اسلام»، *فصلنامه علمی پژوهشی کمال مدیریت*، سال سوم، شماره ۸ و ۹.
۳۰. وجدانی، مصطفی، ۱۳۷۶، *سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی*، جلد ۳ و ۴، چاپ چهارم، تهران، پیام آزادی.